

# دین، رواداری یا نارواداری؟

بررسی و نقد تصویر نامداراگرانه سم هریس از دین با نگاهی به قرآن و سنت  
حمیدرضا شاکرین<sup>۱</sup>

## چکیده

از جمله مسائل مطرح در دین‌پژوهی معاصر نقش دین در حوزه مناسبات انسانی، به‌ویژه چگونگی عملکرد آن در مداراگری، همزیستی و تعامل اجتماعی است. سم هریس همچون دیگر سردمداران الحاد جدید، دین را عامل تفرقه و نامداراگری قلمداد کرده و آن را پدیده‌ای خطرناک معرفی می‌کند. بدین روی مقاله حاضر بر آن است که منطق این نگرش، مدعا و مستندات آن را به‌روش کتابخانه‌ای بررسی و از طریق تحلیل عقلی و داده‌کاوی به ارزیابی بنشیند. ماحصل تحقیق این است که تصویر سم هریس از دین نادرست و نتیجه‌گیری‌های وی تماماً سوگیرانه، تعصب‌آمیز، فاقد وجهت منطقی و اعتبار علمی است.

**واژگان کلیدی:** جامعه‌شناسی دین، کارکرد دین، دین و مدارا، الحاد جدید، سم هریس.

۷۹

فرار پژوهی

سال دوم / شماره ۸ / تابستان ۱۴۰۲

۱. استاد تمام و عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛ (shakerinh@gmail.com).

## مقدمه

جامعه‌شناسی دین از جمله حوزه‌های دین‌پژوهی معاصر است که رسالت آن بررسی خاستگاه اجتماعی دین و کارکردهای آن در حوزه اجتماع و مناسبات انسانی است. از پرسش‌های مهم این حوزه تأثیر دین در وفاق، همزیستی و تعامل اجتماعی یا برعکس تفرقه و عدم مدارا است. شماری از جامعه‌شناسان دین را عامل تقویت همبستگی، پایداری و تاب‌آوری و تغییرات مثبت اجتماعی دانسته‌اند. در مقابل سم هریس، از سردمداران الحاد جدید، با نگاهی کاملاً منفی دین را عامل مهمی برای تفرقه و عدم مدارا قلمداد می‌کند.

هریس در آغاز رفتار آدمیان را تابع بینش آنان معرفی کرده و بر آن است همین‌که آدمی چیزی را باور کرد بر اساس آن کنشگری می‌کند. سپس وی اظهار می‌دارد اگر بپندارید که: اولاً عضو قومی هستید که برگزیده خداست، ثانیاً در دوروبرتان دیوسیرتانی هرزه به ترویج فرهنگ شیطنی می‌پردازند و دورکننده فرزندان دل‌بند شما از خداوند، ثالثاً از پا درآوردن این حرامیان پاداشی چون بهشت جاودان با نعمت‌های و صف‌ناپذیر در پی خواهد داشت؛ در این صورت چه رفتاری پیشه خواهید کرد؟ در واقع این‌گونه باورها بالذات خطرناکند (Harris, ۲۰۰۵, p. ۴۴).

سم هریس باورهای دینی را از این سنخ دانسته و لاجرم دین را عامل تفرقه، نفرت و نارواداری انگاشته، می‌گوید: «باور پایه در هر سنت دینی این است که دیگران همه پوینده راه ضلالتند و در بهترین حالت به نحو خطرناکی گرفتار نقصانند.» (Harris, ۲۰۰۵, p. ۱۳). در نگاه وی درونمایه چنین باوری عدم مدارا است؛ زیرا همین‌که کسی واقعا باور کند عقیده‌ای موجب شقاوت ابدی است، دیگر نمی‌تواند تحمل کند که عزیزانش تحت تأثیر آن قرار گرفته و مفتون کافران تبهکار شوند. بنابراین انگاره سعادت و شقاوت اخروی با مدارا و سازگاری در این جهان ناهم‌ساز بوده و بدینسان تعصب در تار و پود هر آیینی تنیده شده است (Harris, ۲۰۰۵, p. ۱۳).

هریس در گامی فراتر دین را علت اصلی پرخاشگری در جهان به شمار آورده و اظهار می‌دارد: «اندک‌نگاهی به تاریخ یا صفحات هر روزنامه‌ای نشان می‌دهد دیدگاه‌هایی که گروهی از آدمیان را از دیگر گروه‌ها متمایز می‌کند تا آنها را برای کشتار و خونریزی متحد سازد، عموماً ریشه در دین دارد (Harris, ۲۰۰۵, p. ۱۲). او یهودستیزی را نیز فرآورده‌ای مذهبی دانسته که به طور ذاتی و

سرشتین در مسیحیت و اسلام وجود دارد (۹۳-۹۲، p. ۲۰۰۵، Harris, See).

## نقد دیدگاه هریس

دیدگاه هریس در باب نارواداری دینی از جهات مختلفی قابل بررسی و نقد است. اکنون به جهت رعایت اختصار ناچاریم به بیان برخی از اشکالات آن بسنده کنیم.

### الف. تصویرسازی و نتیجه‌گیری ناواقع‌بینانه

اینکه هریس رفتار آدمیان را تابع بینش آنان دانسته، فی‌الجمله درست است و بینش‌ها، به‌ویژه باورهای عمیق نقش مهمی در رفتار آدمیان ایفا می‌کنند. البته باید توجه داشت که انسان صرفاً تابع بینش‌ها نبوده و گرایش‌ها نیز نقش آفرینند و این دو تا حدودی رابطه دو سویه دارند. در عین حال تصویرسازی‌ها و نتیجه‌گیری‌های هریس در این رابطه از جهاتی قابل خدشه است و حداقل با واقعیت برخی از ادیان سازگار نیست. در این باره خوب است نگاهی دوباره به تصویر سه ضلعی هریس از اندیشه دینی افکنده و آن را بر قرآن کریم عرضه کرده تا میزان مطابقت دعاوی وی با تعالیم دین بزرگی چون اسلام آفتابی شود.

#### ۱. ضلع نخست

هریس در ضلع اول می‌گوید: «اگر بپندارید عضو قومی هستید که برگزیده خدا است»؛ اولین سوال این است که منظور از قوم برگزیده چیست و چرا باید چنین پنداشت؟ آیا نگاه دینی دیگری در این زمینه نمی‌تواند وجود داشته باشد و یا وجود ندارد؟ افزون بر این در رابطه با برگزیدگی حداقل دو تصویر می‌توان داشت که یکی غیر منطقی و دیگری منطقی است:

**الف. برگزیدگی پیشینی؛** اگر مراد از قوم برگزیده دیدگاه منسوب به یهود باشد که می‌توان از آن به برگزیدگی پیشینی و یا عناوین دیگری همچون برگزیدگی نژادی و امثال آن یاد کرد، واقعیت این است که چنین چیزی در غالب ادیان و حداقل در اندیشه اسلامی وجود ندارد. اساس اندیشه اسلامی بر اساس آیات شریفه قرآن مجید به شرح زیر است:

- خداوند متعال هیچ فرزند و قوم برگزیده‌ای ندارد، نسبت او با همه خلایق یکسان است و تفاوت‌های قومی و نژادی حاوی هیچ فضیلتی نیستند (حجرات: ۱۳)؛ بلکه هر انسانی در

گرو اعمال خویش است (طور: ۲۱). هر کس خوبی کند به خود کرده و همان را خواهد دید و هر که بدی کند بر علیه خود کرده و سرانجام آن را خواهد دید (فصلت: ۴۶، زلزلال ۸ و ۷) و ملاک برتری نزد خداوند علم (زمر: ۹)، درستکاری (حجرات: ۱۳)، ایمان و عمل صالح (العصر: ۳) است.

- خداوند هدایت تشریحی خود را با دلایل روشن توسط پیامبران به بشریت ابلاغ کرده (نحل: ۴۴) و همگان را به سوی آن دعوت کرده است (سبا: ۲۸). او نخواست است که آدمیان کورکورانه و یا با زور و تحمیل ایمان بیاورند (بقره: ۲۵۶)؛ بلکه آنان را دعوت به تعقل و خردورزی در دین کرده و راه درست را گزینش بهترین‌ها پس از بررسی و روشن شدن مطلب می‌داند (زمر: ۱۸). انسانها نیز بر اساس اختیار خود در برابر هدایت الهی دوگونه موضع می‌گیرند: پذیرش و رویگردانی و به عبارت دیگر شکر نعمت و کفران آن (انسان: ۳).

ب. برگزیدگی پسینی؛ مراد از برگزیدگی پسینی چگونگی مواجهه بر اساس رفتارهای اختیاری انسان‌ها و پاداش و کیفر دهی متناسب با آن است (انعام: ۱۰۴). قرآن مجید خداوند را دادگر معرفی نموده (آل عمران: ۱۸، ۱۸۲؛ انفال: ۵۱؛ حج: ۱۰) و یکی از جلوه‌های عدالت او این است که به هر کار نیکی پاداش و هر بدی را کیفر مناسب می‌دهد (بنگريد: مطهری، ۱۳۸۱، ج ۶، ص ۲۱۹-۲۲۵). از این رو خداوند می‌فرماید: «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ؟» «آیا مؤمنانی را که کار شایسته کردند مانند تبه‌کاران در زمین، یا پرهیزکاران را مانند فاجران قرار دهیم؟!» (ص: ۲۸) از این مسأله که نتیجه مواجهه عدالت‌گرا در برابر کنش‌های جوارحی و جوانحی آدمیان است می‌توان به برگزیدگی پسینی و تابع عمل اختیاری یاد کرد.

## ۲. ضلع دوم

هریس در این تصویرپردازی بر آن است که اگر بینداید: «در دوروبرتان دیو سیرتانی هرزه به ترویج فرهنگ شیطانی می‌پردازند و دور کننده عزیزان شما از خداوند». چنین تصویری زمینه ساز چگونه رفتاری است؟ در این زمینه باید به چند نکته توجه داشت:

الف. آیا برونداد لزومی چنین گمانی نامداراگری است یا می‌تواند نتایج دیگری نیز داشته باشد

از قبیل احتیاط ورزیدن خردمندان با کاربست شیوه‌های تحقیق، تفحص و خردورزی، تقویت ابعاد معرفتی و مصون سازی معقول و منطقی؟ وجود حساسیت نسبت به عزیزان خود و مراقبت لازم از آنها یک مساله است و رفتار خصمانه و نامداراگری با کسانی که از رفتار آنها بیمناکیم مساله‌ای دیگر. در مواردی ممکن است این مساله به عدم مدارا هم بینجامد، ولی هرگونه مواجهه در این امر، همچون هر تهدید دیگری در مسائل مختلف زندگی، تابع عوامل گوناگونی از جمله سطح تهدید و گونه‌های آن است که به تناسب تعیین‌کننده سطح مراقبت، شیوه‌ها و روش‌های آن دارد. از طرف دیگر وابسته به غنای فرهنگ داخلی، دروندا شت‌های معرفتی و جاذبه‌های معنوی و... نیز هست. غنای فرهنگی و معرفتی می‌تواند نقش مهمی در این رابطه ایفا کرده و چه بسا با کمترین هزینه بتواند بزرگترین تهدیدات را پاسخ گوید و کمتر مجالی برای نامداراگری باقی گذارد. کما اینکه فرهنگ غنی اسلامی از چنین ظرفیتی برخوردار بوده و نمونه‌هایی از آن در ادامه اشاره خواهد شد.

ب. آیا نگاه دینی به دیگران لزوماً این‌گونه است؟ یا چنین چیزی لازمه تفکر دینی نبوده و اگر در جایی یافت شود زمینه محور و تابع علل و عوامل خاص دیگری است؟  
اگر منظور هریس احتمال نخست باشد پاسخ این است که چنین ادعایی نه تنها بی‌دلیل و فاقد پشتوانه‌های معتبر است، بلکه واقعیت نگاه دینی، به‌ویژه در اسلام غیر از این است. در نگرش اسلامی دیگران، یعنی غیر مسلمانان به چند دسته تقسیم می‌شوند، از جمله:

کسانی که هرچند به شریعت محمدی ﷺ ایمان نیاورده و احتمالاً آن را نشناخته‌اند، اما اساساً انسان‌هایی خداجو، حقیقت‌طلب و در دین خود متدینانی درستکارند. قرآن مجید درباره ایشان می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»؛ (بقره: ۶۲) «در حقیقت، کسانی که [به اسلام] ایمان آورده و کسانی که یهودی شده‌اند و ترسایان و صابئین، هر کس به خدا و روز بازپسین ایمان داشت و کار شایسته کرد، پس اجرشان را پیش پروردگارشان خواهند داشت و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهناک خواهند شد».

کسانی که به هر علتی، هرچند از سر بی‌اعتنایی به حقیقت از پذیرش دین الهی سر باز می‌زنند. اما در سلوک و رفتار خود ضدیت و توطئه‌گری بر ضد دین و دینداران ندارند. قرآن مجید در باره این



تعالیم دینی و رفتار دین مداران تطابق کامل دارد. دین هرگز مقابله و نامداراگری مطلق که هریس ترسیم می کند را به متدینان تعلیم نداده، بلکه چنانکه از قرآن مجید آموختیم و در ادامه نیز بیشتر توضیح داده خواهد شد، اصل را بر مدارا و همزیستی گذاشته و عدم مدارا را در صورت ضرورت حاصله از رفتار طرف مقابل و با رعایت اصول عالی اخلاقی تجویز می کند. بنابراین آنچه خطرناک می نماید صرف دینداری به گونه ای که هریس ترسیم کرده نیست، بلکه بالاتر از آن ترسیم و تعمیم وارونه، نفرت انگیز و دین ستیزانه ای است که چشم خود را بر واقعیات ارزشمند و انسان ساز دین فرو بسته، حتی حاضر نیست تفاوت های بین دین مداراگر و برخی جریان های افراطی که رفتارشان با آموزه های کتاب الهی فاصله بسیار دارد، تفکیک قائل شود و انحراف از آموزه های اصیل دینی را به پای دین می نویسد و در این زمینه از اغراق و زیاده گویی کم نمی گذارد!

### ب. اسلام و رواداری

برخلاف مدعای هریس، مدارا و همزیستی مسالمت آمیز به صورت امری اصیل و ریشه دار در بن فرهنگ توحیدی و به ویژه در دین مبین اسلام نهفته است. به نظر شماری از اندیشمندان مفهوم «رواداری» در سنت مغرب زمین، سابقه طولانی نداشته و از فرآورده های عصر روشنگری است. (See: Falaturi, ۲۰۰۲, ۵۸-۶۵) اما در اسلام پیوندی ناگسستنی با طبیعت این دین و نظریه عمومی و کلی آن درباره جهان و زندگی انسان دارد. اسلام در عین نخلطیدن در دام پلورالیزم دینی، (بنگرید: شاکرین، ۱۴۰۲، ص ۳۲۵-۳۲۹) دین همه ستگی، وحدت و یگانگی بزرگ در سراسر جهان عظیم و پهناور است. آموزه توحید، قرار داشتن همه هستی در گردونه تدبیر واحد و حکیمانه الهی را صلا میدهد. (بقره: ۱۶۳) و بر پیوستگی نسلی همه آدمیان به یک پدر و مادر و اشتراک خانوادگی همه انسان ها تاکید می کند. (حجرات: ۱۳) در نگرش اسلامی حرکت جهان و انسان به سوی غایت واحد الهی است. (بقره: ۴۶ و ۱۵۶) اسلام حقیقی تسلیم در پیشگاه خداوند است و وجود فطرت یگانه خداجو و کمال خواه در همه انسان ها، استوارترین زیرساخت های جهت گیری های مشترک و صلح و همبستگی جهانی را فراهم می آورد. در این باره نگاهی به قرآن و سیره می تواند راهگشا باشد:

## ۱. قرآن و رواداری

قرآن مجید منشور صلح جهانی، منادی رواداری و همزیستی مسالمت‌آمیز بر اساس توحید و عدالت و پارسایی است. آیات متعددی از قرآن نشان می‌دهد که صلح در اسلام قاعده‌ای جاودان و پایدار است و جنگ حالتی استثنایی است که بر اثر برون‌رفت از همبستگی بزرگ پدید می‌آید و در واکنش به تجاوز و ستم یا فساد و هرج و مرج و به تباهی کشاندن انسان‌ها لازم می‌شود. شماری از آیات قرآن در این باب به شرح زیر است:

۱. دعوت به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز: «یا ایها الذین آمنوا اذخُلُوا فی السِّلْمِ کَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّیْطَانِ إِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُّبِینٌ» (بقره: ۲۰۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، همگان به صلح و آشتی درآید و پای بر جای پای شیطان مگذارید که او دشمن آشکار شماست.

۲. دعوت به هماهنگی و تنظیم روابط بر اساس مشترکات: «قُلْ یا اهلَ الْکِتَابِ تَعَالَوْا اِلَی کَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَیْنَنَا وَبَیْنَکُمْ اِلَّا نَعْبُدَ اِلَّا اِلَّهَ وَلَا نُشْرِکُ بِهِ شَیْئاً وَلَا یَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً اَرْبَاباً مِنْ دُونِ اِلَّهِ...» (آل عمران: ۶۳)؛ بگو: ای اهل کتاب، بیاید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است پیروی کنیم: اینکه جز خدای یکتا را نپرستیم، و چیزی را با او شریک قرار ندهیم، و برخی از ما برخی دیگر را به جای خدا به ربوبیت تعظیم نکنیم...» (نیز بنگرید: بقره: ۱۹۰؛ مائده: ۸۷؛ اعراف: ۵۵؛...).

۳. سفارش به پذیرش صلح و آشتی از دیگران: (وان جنحوا للسلم فاجنح لها و توکل علی الله اِنَّهُ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ.) (انفال: ۶۱) و اگر به آشتی گرایند، تو نیز به صلح گرای و بر خدا توکل کن که اوست شنوا و دانا.

۴. سفارش به نیکی با غیر متجاوزان: (لاینهاکم اَله عن الذین لم یقاتلکم فی الدین و لم یخرجوکم من ديارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین.) (ممتحنه: ۸) خدا شما را از نیکی کردن و عدالت ورزیدن با آنان که با شما در دین نجنگیده اند و شما را از سرزمین تان بیرون نرانده اند، باز نمی‌دارد. خدا کسانی را که به عدالت رفتار می‌کنند دوست می‌دارد.

۵. بازداری از تعدی و تجاوز حتی در برابر جنگ‌افروزان: (وقاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم ولا تعتدوا ان الله لا یحب المعتدین) (بقره: ۱۹۰)؛ با کسانی که با شما جنگ دارند در راه خدا

بجنگید، اما هرگز تعدی و تجاوز نکنید زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد.

۶. گفتگوی منطقی و مسالمت‌آمیز: قرآن مجید گفتگو با غیر مسلمانان را تنها با شیوه منطقی و مسالمت‌آمیز پذیرفته و اعلام می‌کند: «ولا تجادلوا اهل الکتاب الا بالتی هی احسن» (عنکبوت: ۴۶) با اهل کتاب جز به نیکوترین شیوه مجادله مکنید. و در جای دیگر می‌فرماید: «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن...» (نحل: ۱۲۵)؛ یعنی: با حکمت و اندرز نیکو به سوی پروردگارت دعوت نما، و با آنها به طریقی که نیکوتر است مناظره و مجادله کن. علامه طباطبایی (ره) در بیانی مفصل در توضیح مطلب می‌نویسد مراد از حکمت حجتی است که حق را بدون هیچ شک و وهن و ابهامی نتیجه دهد و موعظه بیانی است که نفس شنونده را نرم و قلبش را به رقت آورد و مشتمل است بر آنچه مایه صلاح جان شنونده است از مطالب عبرت آور که آثار پسندیده و ثنای جمیل را در پی دارد و جدال دلیلی است که خصم خودش قبول دارد و برای منصرف کردن او از نزاع می‌رود. این سه طریقی که خدای تعالی برای دعوت بیان کرده، با همان سه طریق منطقی؛ یعنی برهان و خطابه و جدل منطبق می‌شود. افزون بر این آیه کریمه، موعظه را به قید «حسنه» و جدال را نیز به قید «التی هی احسن» مقید نموده است و این دلالت دارد که در دعوت مردم به سوی دین خدا نه تنها نمی‌توان از زور و اجبار استفاده کرد بلکه حتی از موعظه غیرحسنة و یا جدال غیر احسن و هیچ‌گونه بی‌عفتی در کلام نیز نباید استفاده کرد (طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۲۴، ص ۳۱۰-۳۱۴).

۷. نفی اجبار در دین: آیات متعددی از قرآن به نفی اجبار و جنگ و خشونت برای پذیرش دین پرداخته‌اند. از این قبیل است: «لا اکراه فی الدین...» (بقره: ۲۵۶)؛ در دین هیچ اکراهی نیست. این قبیل آیات از دشمنی و ستیز با پیروان دیگر ادیان به دلیل دین منتخب آنان پرهیز داده و نتیجه آن مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز با ایشان است. (بنگرید: نیکزاد، ۱۳۸۲)

## ۲. سنت و رواداری

از جمله اموری که در آشنایی با چشم‌انداز اسلامی پیرامون مسئله همزیستی و رواداری مفید و مؤثر می‌باشد سیره رفتاری پیامبر ﷺ است. تاریخ گواهی می‌دهد که سماحت و گذشت، حسن خلق و معاشرت نیکو از بارزترین ویژگی‌های پیامبر بزرگوار اسلام بوده است. حضرتش در تمام

عمر شریف خود هرگز به کسی دشنام نگفت، سخن بیهوده بر زبان نیاورد، آه دردمندان را می شنید، به فریاد اعتراض گران گوش فرامی داد و هر اعتراضی را به نیکی پاسخ می فرمود، سخن کسی را قطع نمی کرد، فکر آزاد را سرکوب نمی کرد، خطای در اندیشه و کردار را با منطق استوار و بیانی شیرین و دلنشین روشن می ساخت، روی زخم های دل شکستگان مرهم می نهاد، رقیق القلب بود و از رنج دیگران آزوده خاطر می گشت.

او با دشمنان خویش نیز با سعه صدر و عطف بر خورد می نمود. آن حضرت، حتی یک جنگ تجاوزگرانه نداشته، بلکه همه جنگ های پیامبر دفاعی و در پاسخ به تجاوزات و پیمان شکنی های دشمنان دین بوده است (محمصانی، ۱۹۸۲، ص ۱۷۷).

پیامبر ﷺ نه تنها با اهل کتاب برخوردی کاملاً مسالمت آمیز داشته اند؛ بلکه در مواردی مانند: حمایت از آنان در برابر تجاوز خارجی و ستم داخلی مبادرت ورزیده، حق سکونت و کسب و کار آنان را به رسمیت شناخته، به آنان احترام می گذاشت و به عیادت از بیمارانشان مبادرت می ورزید، نیکی به همسایه غیر مسلمان، صدقه دادن به نیازمندان ایشان، رفتار عادلانه با اهل ذمه و آزادی دینی اهل کتاب سرلوحه رفتار کریمانه پیامبر ﷺ با غیر مسلمانان است. اهتمام آن حضرت در این زمینه تا آنجا است که فرمود: «الا من ظلم معاهداً، او انتقصه، او کلفه فوق طاقته، او اخذ منه شیئا بغیر طیب نفس منه، فانا حجیجه یوم القیامة؛ بدانید که هر کس به یکی از کافران اهل پیمان با اسلام (اهل ذمه)، ستم روا دارد، یا حق او را کم بدهد، فراتر از توانش تکلیفی بر او تحمیل کند، یا بدون رضایتش چیزی از او بگیرد، در روز قیامت من خودم خصم و مدعی بر علیه او خواهم بود (متقی هندی، ۱۹۸۲، ح ۱۰۹۲۴).

از جلوه های بارز سیره پیامبر ﷺ در مدارا با غیر مسلمانان عهدنامه های آن حضرت با ایشان است. آنچه در این عهدنامه ها آفتابی است اهتمام آن حضرت نسبت به حقوق طرف مقابل و تعهد به حفظ جان، مال، عرض و آزادی دینی آنها است. اولین معاهده پیامبر ﷺ پس از هجرت به مدینه با یهودیان آن دیار است که در آن بر حقوق عمومی آنها تاکید شده و هزینه های دفاع و برقراری امنیت برای مسلمانان و غیر مسلمانان به یکسان مقرر گردیده است. شماری از مفاد این پیمان به شرح زیر است:

۱. یهودیان تحت این پیمان باید مورد یاری و حمایت قرار گیرند، ستمی به آنها نشود و دشمنانشان یاری نشوند.
۲. هرگاه مسلمانان یهود را به مصالحه فراخوانده یا یهود مسلمانان را به مصالحه دعوت کردند، هر دو باید آن را بپذیرند.
۳. مسلمانان و یهودیان تحت این پیمان «امت واحده» اند، هرچند هریک به دین خود می‌باشند، مگر کسی که مرتکب ظلم و گناه گردد.
۴. مسلمانان و یهودیان باید با همکاری یکدیگر در برابر ستیزه‌گران با این پیمان مقابله کنند.
۵. مسلمانان و یهودیان باید مظلومان را در میان خود یاری رسانند.
۶. مسلمانان و یهودیان باید علیه مهاجمان به مدینه، یکدیگر را یاری کنند.
۷. همسایگان را همچون خود باید از هرگزندی مصون داشت.
۸. اصل خیرخواهی میان مسلمانان و یهودیان حاکم است (احمدی، ۱۳۶۳، ص ۲۶۲).

روش پیامبر ﷺ و سفارش‌های اکید آن حضرت و دیگر پیشوایان اسلام در رابطه با چگونگی رفتار با نامسلمانانی که در دیگر بلاد، یعنی خارج از قلمرو اسلامی زندگی می‌کنند نیز نمایشگر همان روح هم‌زیستی مسالمت‌آمیز است که قرآن مجید بدان توصیه نموده و نشانگر این است که اسلام اساساً با غیر مسلمانان سر جنگ و ستیز ندارد، مگر آنکه آنان خود موجبات تخاصم را فراهم آورند.

### ۳. رواداری و سیره مسلمین

روش پیامبر اسلام ﷺ به‌وسیله مسلمانان پس از آن حضرت نیز مورد توجه بوده است. سماحت و بزرگواری مسلمانان از چنان وضوحی برخوردار است که اندیشمندان غربی را به اعتراف و تحسین وا داشته است.

مارسل بوازار درباره اصل همزیستی مسالمت‌آمیز، رواداری و تفاهم در اسلام می‌نویسد:  
درباره پیروان ادیان الهی باید گفت اصولاً اسلام، آنها را مورد حمایت خود قرار داده و امنیت کاملی در جامعه اسلامی دارند. آنان می‌توانند طبق دستورات دینی خود آزادانه عمل کنند، به‌ویژه که در قرآن نیز رعایت حقوق آنان توصیه شده است. این تساهل دینی در مسیحیت و یهود، مطلقاً

وجود نداشته و به‌ویژه پیروان دین یهود، ناگزیر از انجام فریضه‌های بسیار سخت و توان فرسا بوده‌اند (بوازار، ۱۳۵۸، ص ۱۰۷).

در عصر حاضر نیز در میان پیروان ادیان بزرگ جهان، مسلمانان بدبارترین آنان در برخورد با صاحبان دیگر ادیان می‌باشند؛ در حالی که بزرگ‌ترین جنایات تاریخی از سوی سردمداران شعار صلح و امنیت، رواداری و دموکراسی نسبت به مسلمانان انجام می‌پذیرد. نمونه‌های این مسئله در بوسنی و هرزگوین، عراق، افغانستان و... مشاهده شده و بیش از هر جا امروزه در فلسطین اشغالی، مشاهده می‌شود. دکتر سیدحسین نصر در این باره می‌نویسد: ... یهودیان، مسیحیان و مسلمانان در صلح و صفا و تسامحی چشمگیر در اسپانیای زمان حاکمیت مسلمانان در کنار هم زیسته‌اند ... حتی همین امروز میلیون‌ها مسیحی و نیز شمار کمی از یهودیان، زرتشتیان، بودائیان و هندوان، در گستره‌ای از مغرب تا مالزی تحت حاکمیت مسلمانان مشغول گذراندن زندگی‌اند. نه تنها بر آنها در مقام انسان، تسامح و مدارا روا داشته شده، بلکه بسیاریشان در کشورهای خود ثروتمندترین گروه‌ها به‌شمار می‌آیند؛ مانند قبطیان در مصر یا بوداییان چینی در مالزی. این گروه‌ها هرگز مشمول «تصفیه قومی» نشده‌اند. در حالی که، گذشته از جنایات دهشتناک آلمان نازی، مسلمانان و یهودیان در اسپانیای پس از ۱۹۴۲ یا تاتارها در روسیه تزاری و همین امروز نیز مسلمانان در بوسنی مورد تصفیه قومی قرار گرفته‌اند (Nasr, ۱۳۷۷, p. ۴۶-۳۸).

از آنچه گذشت به خوبی روشن می‌شود ادعای هریس مبنی بر اینکه «دیدگاههایی که گروهی از آدمیان را از دیگر گروهها متمایز می‌کند تا آنها را برای کشتار و خونریزی متحد سازد، عموماً ریشه در دین دارد.» (Harris, ۲۰۰۵, p. ۱۲). تا چه اندازه دور از واقعیت و نشانگر تعصب شدید ضد دینی گوینده آن است. غالب جنگها و منازعات خونین بشر در طول تاریخ ناشی از خودخواهی‌ها، توسعه طلبی و فزون‌خواهی‌ها، سلطه‌طلبی و کامجویی‌های لجام‌گسیخته‌ای است که نه تنها دین در انگیزش آنها هیچ نقشی نداشته، بلکه دقیقاً تعالیم دینی خلاف آنها را نشانه می‌رود. تنها یک نمونه از این موارد جنگ دوم جهانی است که متکی به تکنولوژی و ایدئولوژیهای سیاسی مدرن و میلیتاریسم و داروینیسم اجتماعی غرب است و در پرتو آن بین ۷۰ تا ۸۵ میلیون انسان به کام مرگ کشیده شدند.

## ج. نفی یهودستیزی در اسلام

اینکه هریس یهودستیزی را فرآورده‌ای مذهبی دانسته که به طور ذاتی و سرشتین در مسیحیت و اسلام وجود دارد به وضوح نشانگر تعصب شدید ضد دینی و نادیده گرفتن واقعیات دینی و تاریخی توسط او و هم‌فکران وی است. برای روشن شدن مطلب، افزون بر آنچه در باب مدارای دینی در اسلام بیان شد، نکاتی را یادآور می‌شود:

۱. چنانکه پیشتر گذشت قرآن مجید از مومنان حقیقی یهود و دیگر شرایع آسمانی به نیکی یاد کرده، آنان را مشمول پاداش الهی دانسته و بر آن است که بیمی بر ایشان نیست (بقره: ۶۲).

۲. تاریخ توطئه‌های زیادی از سوی یهودیان زمان پیامبر ﷺ بر علیه اسلام و مسلمانان ثبت کرده است. در عین حال پیامبر ﷺ از بسیاری این بدرفتاری‌ها چشم می‌پوشید و در مواردی که ناچار به مجازات می‌شد اعتدال را رعایت کرده و به حکم کسی که آنان به داوری برگزیده بودند رضایت می‌داد (ابراهیم حسن، ۱۳۸۰، ص ۱۴۸-۱۴۹). در این زمینه به اختصار دو مورد اشاره می‌شود:

- زنی یهودی به نام زینب دختر حارث، همسر سلام بن مشکم، گوسفندی را بریان و مسموم نموده، به عنوان هدیه نزد پیامبر آورد تا به این وسیله آن حضرت را از پای درآورد. در این هنگام بشر بن براء نزد آن حضرت بود. پیامبر قسمتی از آن را برداشت و همین که دندان روی آن گذارد، آن را بیرون انداخته و فرمود: استخوان این حیوان مرا خبر داد که آلوده به زهر است. اما بشر که مقداری از آن را در دهان گذارده بود به سرعت فرو داد و بر اثر آن از دنیا رفت. پیامبر ﷺ آن زن را خواست و ماجرا را پرسید. وی به صراحت اعتراف کرد که آن را مسموم کرده است. پیامبر ﷺ نه تنها از آن زن درگذشت، بلکه خود دیه بشر بن براء را پرداخت نمود (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۳۷-۳۳۸).

- نمونه دیگر قتل عبدالله بن سهل مسلمان توسط یهود خیبر بود که پس از کشتنش جنازه او را در نهر آبی انداخته و به هنگام تحقیق منکر قتل وی شدند. پیامبر ﷺ برای جلوگیری از

شعله‌ور شدن جنگ و نفرت، صد شتر از اموال خود به عنوان خون بهای او به اولیای دم پرداخت و غائله را پایان داد (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۵۴).

۳. در طول تاریخ همواره مسلمانان رفتار انسانی با یهودیان و پیروان دیگر ادیان را تداوم بخشیده‌اند. کارن آرمسترانگ می‌نویسد: در ۳۱ مارس (۱۴۹۹) فردیناند (Ferdinand) و آیزابلا (Ferdinand) حکم خروج (یهودیان) را صادر کردند تا اسپانیا از وجود یهودیان آن دیار پاکسازی شود. بر این اساس به آنان اختیار بیرون رفتن و یا پذیرش مسیحیت داده شد... در این هنگام ۵۰۰۰۰ نفر از آنان به امپراتوری نوپای عثمانی پناه بردند و در آنجا به گرمی از ایشان استقبال شد (Armstrong, ۲۰۰۰, p. ۱۲-۱۳).

همو می‌نویسد یهودیان دنیای اسلام مورد تفتیش عقاید قرار نگرفتند و هیچ‌گونه جو نژادپرستی ضد سامی علیه آنان وجود نداشت، ... به آنان آزادی عمل مذهبی کامل داده می‌شد، و از یهودیان اروپا به مراتب بیشتر در جریان روزمره زندگی اجتماعی قرار داشتند. (آرمسترانگ، ۱۳۹۶، ص ۷۹).

مدارا با یهودیان در سنت اسلامی، چنان ابعاد گسترده‌ای دارد که نسلی از یهودیان متمدنی اروپای عصر روشنگری آن را به مثابه مدلی برای همزیستی میان مسیحیان معرفی می‌کردند. جان تولان مورخ فرانسوی می‌نویسد:

«اسلام و محمد، برای بسیاری از یهودیان قرن نوزدهم حایز اهمیت بودند، زیرا از آن به مثابه سپری در برابر اروپای مسیحی استفاده می‌کردند... این اندیشمندان یهودی با تأکید بر مدارایی که اسلام نسبت به یهودیان (و مسیحیان) نشان داده، و با برجسته‌کردن چگونگی شکوفایی یهودیان در اسلام و متقابلاً کمک آنها به توسعه‌ی فرهنگ اسلامی، (گاهی به صراحت، و در بیشتر موارد به طور ضمنی) استدلال می‌کردند که مشکل از مسیحیت است که یک ایمان نامداراگر و غیرعقلانی است.» (Tolan, ۲۰۱۹, pp. ۲۲۳-۲۲۴).

### نتیجه‌گیری

چنانکه گذشت سم هریس، دین را عامل مهمی برای تفرقه و عدم مدارا قلمداد کرده، باورهای دینی را با مدارا و سازگاری در این جهان ناهمساز و دین را علت اصلی پرخاشگری در جهان به‌شمار

آورده است. او یهودستیزی را نیز فرآورده‌ای مذهبی دانسته که به طور ذاتی و سرشتین در مسیحیت و اسلام وجود دارد.

دیدگاه هریس در این باره مبتنی بر یکسری مبانی و مشتمل بر اضلاعی است که هریک به نحوی آسیمند بوده و از جهات مختلفی نقدپذیر است از جمله: (۱) تصویرسازی و نتیجه‌گیری غیر واقع بینانه از باورهای دینی از قبیل انگاره قوم برگزیده خدا که کاملاً مغایر با آموزه‌های قرآنی است؛ (۲) وارونه‌نمایی نگاه دینی به دیگر ادیان و استنتاج غیر منطقی از آن؛ (۳) نادیده‌انگاشتن منطق دین در مواجهه با پیروان دیگر ادیان و سیاه‌نمایی بیگانه با تعالیم کتاب آسمانی؛ (۴) چشم‌فرو بستن بر منطق قرآن و سنت در ترویج فرهنگ مسالمت، همزیستی و تعامل بین‌الادیانی بر اساس مشترکات و اصول عام انسانی؛ (۵) مغفول نهادن واقعیات تاریخی و سیره عملی مسلمانان و بردباری تحسین‌برانگیز آنان در برخورد با صاحبان دیگر ادیان و دوری اکید آنان از دیگر آزاری از جمله یهودستیزی، در عین اینکه از صدر اسلام تاکنون توطئه‌ها و صدمات زیادی را از آنان و بعضاً از مسیحیان صلیبی تحمل کرده‌اند. اما تعالیم عالیه اسلام، در عین تامین شرایط پایداری، همواره مانع خشونت‌گرایی و ستیزه‌جویی در برابر ایشان بوده است.

## فهرست منابع

## ❖ قرآن کریم

۱. ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، مصر: شرکت مکتبه و مطبعه مصطفی البابی الحلبی، ۱۳۷۵ق.
۲. الاحمدی، علی بن حسینعلی، مکاتیب الرسول، قم: نشر یس، ۱۳۶۳.
۳. آرمسترانگ، کارن، بنیادگرایی پیکار در راه خدا در یهودیت، مسیحیت و اسلام، ترجمه کیانوش حشمتی. تهران: نشر حکمت، ۱۳۹۶.
۴. بوازار، مارسل، اسلام و حقوق بشر، ترجمه دکتر محسن مویدی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۸.
۵. حسن، ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: جاویدان، ۱۳۸۰.
۶. شاکرین، حمیدرضا، پرسمان دین شناخت، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۴۰۲.
۷. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: انتشارات دار العلم، چاپ سوم، ۱۳۶۲.
۸. متقی هندی، علاءالدین المتقی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
۹. محمصانی، صبحی، القانون و العلاقات الدولیه فی الاسلام، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۸۲م.
۱۰. مطهری، مرتضی، یادداشت‌ها، تهران: صدرا، ۱۳۸۱.
۱۱. موحدی ساوجی، محمدحسن، رواداری از منظر قرآن کریم و سنت، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال پنجم، شماره ۱۰، صص ۱۲۵-۱۵۹.
۱۲. نیکزاد، عباس، آزادی عقیده و مذهب در اسلام، رواق اندیشه، ش ۱۸.
۱۳. Armstrong, Karen. The Battle for God (ed. Dr. Walter G. Tonetto).

New York: Alfred A. Knopf, ۲۰۰۰.

۱۴. Falaturi, A. Dialog zwischen Christentum und Islam. (۲nd ed.)  
Hamburg: Islamische Akademie Deutschland, ۲۰۰۲, pp. ۵۸-۶۵.
۱۵. Harris, Sam. The End of Faith. New York; London: W. W. Norton &  
Company, ۲۰۰۵.
۱۶. Nasr, Sayyed Hossein. "Metaphysical Roots of Tolerance and  
Intolerance: An Islamic Interpretation" in Philosophy of Religion and  
the Question of Intolerance. Translated by Hooman Panahandeh,  
Kiyān Bimonthly, No. ۴۵, ۱۹۹۸, pp. ۳۸-۴۶.
۱۷. Tolan, John V. Faces of Muhammad: Western Perceptions of the  
Prophet of Islam from the Middle Ages to Today. Princeton  
University Press, ۲۰۱۹ .

